

سیاست‌های راهبردی دیوان بین‌المللی کیفری در جبران خسارت با تأکید بر رویه قضائی بین المللی

سید حسام‌الدین لسانی^۱، حسین جعفری طاهری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۲۳

چکیده

جنايات بين‌المللی از موضوعات مهم در حقوق بين‌الملل است. در اثر ارتكاب اين جنايات، خسارت و صدماتی به قربانیان و زیان‌دیدگان وارد می‌شود. سیاست راهبردی دیوان با رویکردی حیاتی و استراتژیک به‌گونه‌ای با حیات سیاسی دولت‌ها پیوند داشته‌اند. جبران خسارت به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سیاست راهبردی دیوان بین‌المللی کیفری نهادینه شده است. دیوان بین‌المللی کیفری، به استناد اصل صلاحیت تکمیلی، می‌تواند این جنايات را تحت تعقیب قرار دهد. دیوان بین‌المللی کیفری نظام عدالت کیفری بین‌المللی را بزه دیده مداری می‌داند، از این‌روی جبران خسارت که بخشی از سیاست‌های راهبردی دیوان کیفری بین‌المللی است که در پرتو اجرای جبران خسارت متبلور می‌شود. عنصر قدرت و نوع روابط کشورهای متنفذ و قدرتمند با دیوان می‌تواند در اجرای این سیاست تعیین‌کننده باشد، اما دیوان با اعمال سیاست‌های استبدادی ابرقدرت‌های جهانی، جهت دستیابی به اهداف و سیاست‌های راهبردی، با ناملايمات و موانع جدی مواجه می‌گردد که این موانع اسباب برهم زدن موازنه نظام عدالت کیفری در برخورد با جنايات بين‌المللی را پدید آورده است. بر همین اساس، دیوان باید در هر پرونده، سیاست‌ها و رویه‌های مربوط به سیاست جبران خسارت را مشخص نماید. نویسندگان در پژوهش حاضر که به شیوه توصیفی-تحلیلی است، به بررسی سیاست‌های راهبردی جبران خسارت در دیوان پرداخته‌اند. همچنین پیشنهادی از طرح‌های جبران خسارت مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: سیاست راهبردی دیوان بین‌المللی کیفری، جبران خسارت، جنايات بين‌المللی، رویه قضائی بین‌المللی، سیاست بین‌المللی

^۱ . عضو هیأت علمی گروه حقوق، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران (نویسنده مسئول)

Lesani77@yahoo.com

^۲ . دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران

۱- مقدمه

یکی از مقولات مهم در حقوق بین‌الملل، مقوله جنایات بین‌المللی است. این جنایات اصولاً در قلمرو داخلی کشورها یا توسط اتباع آن‌ها ارتکاب می‌یابد. با این حال، گاهی مقابله با این جنایات توسط نظام‌های داخلی با موفقیت همراه نبوده و نیست. به همین خاطر، جنایتکاران بی‌کیفر می‌مانند. از سوی دیگر، قربانیان نیز قربانی بی‌عدالتی می‌شدند و خسارات وارده به آن‌ها بدون جبران می‌ماند. از این رو، جامعه بین‌المللی تلاش کرد تا این خلأ را پر نماید. اندیشه تشکیل دیوان بین‌المللی کیفری (از این پس دیوان) را می‌توان نوعی واکنش جامعه بین‌المللی به مقابله با بی‌کیفرمانی و جبران خسارت‌های وارده به قربانیان تفسیر کرد.

در این راستا، دیوان دارای نوعی صلاحیت تکمیلی است. به این معنا که در خصوص جنایات ارتكابی اولویت با محاکم صلاحیت‌دار داخلی است. در صورتی که این دادگاه‌ها نتوانند یا نخواهند رسیدگی نمایند، نوبت به دیوان می‌رسد. رسیدگی توسط دیوان صرفاً مجازات مرتکبین نیست. دیوان ضمن رسیدگی باید از یک طرف حقوق متهم را رعایت نماید. از سوی دیگر، بتواند خسارت‌های وارده در اثر جرم به قربانیان را نیز جبران نماید. اساسنامه دیوان، نیز این مسئله را مدنظر دارد؛ اگرچه مقررات اساسنامه و آیین دادرسی در این خصوص واضح و جامع نیست. به همین خاطر پیش بینی شده است که دیوان در حین رسیدگی به هر پرونده باید اصول و رویه‌های مربوط به جبران خسارت را تعیین نماید. دیوان پس از قطعی شدن احراز مجرمیت، وارد مرحله جبران خسارت می‌شود. در این مرحله است که دیوان باید گام مهمی را در خصوص اجرای عدالت در مورد قربانیان اتخاذ نماید. این گام به مجازات مجرمین محدود نمی‌شود بلکه فرصت مهمی برای دیوان پیش می‌آید تا بتواند در خصوص خسارت‌ها و صدمات وارده در اثر جنایت به قربانیان یا نزدیکان یا اموال آن‌ها اتخاذ تصمیم نماید. بر این اساس ضرورت دارد تا اصول و رویه‌های حاکم بر جبران خسارت را نیز در هر پرونده مشخص نماید. سؤال اساسی در این پژوهش این است که اصول و رویه‌های مورد بحث کدامند؟

در این نوشتار که به شیوه توصیفی-تحلیلی است، تلاش شده است تا ضمن تبیین مفهوم ضرر و زیان ناشی از جنایت به بررسی الگوی جبران خسارت در دیوان پرداخته شود. ضرورت تنظیم اصول صریح مربوط به جبران ضرر و زیان ناشی از جرم نیز از موضوعات مهمی است که در این پژوهش بررسی می‌گردد. پس از آن اصول قابل‌اعمال توسط دیوان در خصوص جبران ضرر و زیان ناشی از جنایات بین‌المللی بحث خواهد شد. در نهایت نتیجه‌گیری و اظهارات نهایی ارائه می‌گردد.

۲- مفهوم ضرر و زیان ناشی از جنایت

از حیث لغوی ضرر (به فتح ضاد و راء) به معنی زیان است (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۲۶۴). همچنین «ضرر ضد منفعت و به معنی سختی، تنگی و بدی حال و نقصی است که در چیزی حاصل می‌شود» (المنجد، ۴۴۷). ضرر به «ضد سوء» (ابن منظور، ۱۳۷۵: ۳۴). و ضد نفع نیز معنا شده است (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۲۸). در فرهنگ فارسی واژه ضرر با واژه خسارت

هم معنا و مترادف قلمداد شده است.^۱ در قانون مدنی و مسئولیت مدنی واژگان ضرر، زیان، خسارت و غرامت به یک معنی استعمال گردیده است (امامی، ۱۳۵۱: ۵۴۹).

در اساسنامه^۲ رم ۱۹۹۸ نیز از واژگان *loss*، *damage* و *injury* سخن به میان آمده است. *Injury* در اصطلاح حقوقی عبارتند از: ۱- نقض حق قانونی فرد که قانون برای آن راهکار جبران در نظر گرفته است؛ ۲- در حقوق اسکاتلند، هر چیزی که در نقض یک تکلیف گفته یا انجام شود البته در صورتی که منجر به صدمه‌ای علیه شخص، شخصیت یا اموال بشود. زیان‌ها می‌توانند به دو دسته مادی و معنوی تقسیم شوند. زیان می‌تواند ناشی از جرم یا ناشی از خطای مدنی باشد؛ ۳- هرگونه صدمه یا خسارت. برخی از صاحب‌نظران بین *injury* و *harm* تفاوت قائل می‌شوند. از نظر آن‌ها *harm* شامل هر نوع ضرر یا زیان می‌شود، درحالی‌که *injury* شامل هرگونه تعرض قابل دادخواهی به نفع حمایت شده به وسیله قانون است (Garner, 2009: 856).

Harm از نظر حقوقی عبارت است از *damage*، *loss*، *injury* یا زیان مادی یا قابل لمس. بنابراین، از نظر حقوقی کاملاً ضرر، زیان و خسارت همه در یک معنا می‌باشند (Garner, 2009: 784). بنابراین، می‌توان گفت در پژوهش حاضر، خسارت و ضرر در یک معنا گرفته شده است. در نتیجه از نظر اساسنامه^۳ دیوان سلب حیات فرد، از دست دادن سلامتی جسم، نقص در اموال، از دست دادن منفعت مسلم، از بین رفتن حیثیت و اعتبار شخص، لطمه به عواطف شخصی، خانوادگی، ملی و مذهبی فرد و از دست دادن هرگونه سرمایه و دارایی و حقی که شخص واجد آن بوده و از آن بهره‌مند بوده است یا اقتضای بهره‌مندی آن در نزد عرف وجود دارد، از جمله مصادیق خسارت و ضرر می‌باشند.

۳- دیوان بین‌المللی کیفری و طرح پرداخت غرامت به قربانیان

دیوان به‌عنوان یک نهاد دائمی قضایی مستقل بر اساس یک معاهده چندجانبه بین‌المللی موسوم به اساسنامه^۴ رم (۱۹۹۸) تشکیل شد. این معاهده در سال ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا شد. در حقیقت، با لازم‌الاجرا شدن اساسنامه، دیوان فعالیت خود را شروع کرد.

۳-۱- پیدایش و سابقه طرح پرداخت غرامت به قربانیان

انسان همواره مراقبت می‌نماید که از ایراد آسیب و لطمه به خود جلوگیری نماید. این امر لازمه بقا و از غرایز فطری نوع بشر است. نبود حکومت و نهادهای سیاسی در دوران اولیه زیست انسانی باعث می‌شد تا این احساس و غریزه در انسان قوی‌تر عمل می‌کرد (نوربها، ۱۳۶۹: ۷۹ به بعد). بر این اساس اشخاص خود برای دفاع از جان و مال خودش و حتی در اجرای مجازها و جبران ضرر و زیان وارد عمل می‌شدند. این مرحله را می‌توان دوره عوض یا معادل ارادی نامید.^۵ ایده

^۱ برای نمونه بنگرید به: محمد معین، فرهنگ فارسی، جلد اول، چاپ هفتم، تهران، مؤسسه امیر کبیر، ۱۳۶۴، ص ۱۴۱۹ و ۲۱۸۶.

^۲ برای اطلاع بیشتر در این خصوص بنگرید به: عبدالحسین علی آبادی، ۱۳۶۷، صص ۸ تا ۴۰؛ حسن فقیه نخجیری، ۱۳۵۱، صص ۸ تا ۱۲ و همچنین پرویز صانعی، ۱۳۷۲، ص ۴۵.

طرح غرامت قربانیان در حقوق داخلی، یک ایده بسیار قدیمی است.^۱ قدیمی‌ترین رد پای این نظریه را می‌توان در قانون حمورابی یافت (D. Childres, 1964:444). از مهم‌ترین ویژگی‌های قانون حمورابی پذیرش مسئولیت مدنی و ضمان قهری بود (آشوری، ۱۳۵۹: ۱-۳۶). علاوه بر قانون حمورابی، الواح دوازده‌گانه رومیان نیز از کهن‌ترین حقوق انسانی حکایت می‌نماید (علی‌آبادی، ۱۳۶۷: ۹). شریعت مقدس اسلام ضمن امضای نهاد دیات آن را بر نظام خاص مبتنی نهاد (درخشان نیا، ۱۳۷۶: ۳).

گرنند دوک لئوپولد توسکنی^۲ یکی از قدیمی‌ترین طرح‌ها را در سال ۱۷۶۸ ایجاد کرد. در دوران مدرن، ایده طرح پرداخت غرامت به قربانی توسط طرفداران نظریه سودانگاری دوباره مطرح گردید. این سود انگارگرایان نسبت به تمرکز جبرانگر سنتی در عدالت کیفری هشدار دادند و طبیعتاً تمایلی به این نداشتند که جبران صدمه وارده هم به جامعه و هم قربانی باید بخشی از فرایند باشد. بنتام، به‌عنوان نماینده این جریان، در «کتاب اصول حقوق کیفری»^۳ این ایده را پذیرفت و پیشنهاد کرد که «اگر بزه‌کار هیچ شانس نداشته باشد»، جبران خسارت «باید با هزینه بیت‌المال صورت گیرد، چرا که این موضوع نفع عمومی است؛ و به امنیت همه مربوط می‌شود» (Bentham, 1843: 365). جرم‌شناسان عدالت کیفری در قرن نوزدهم مشتاقانه از این ایده حمایت کردند (Ferri, 1917: 110). و این موضوع در چند تا از کنگره‌های بین‌المللی کیفرشناسی مورد بحث قرار گرفت. طرح‌های پرداخت غرامت را می‌توان طرح‌هایی دانست که در آن‌ها سرمایه عمومی به قربانی جرم و بازماندگان آن‌ها داده می‌شود (Edelhertz & Geis, 1974: 3).

این سرمایه‌ها از یک منبعی خارج از جرم می‌آیند و بر مبنای نیازهای خاص قربانیان یا نفع نظم عمومی هزینه می‌شوند (Edelhertz & Geis, 1974: 3). پیدایش این طرح‌ها یکی از مهم‌ترین تحولات جرم‌شناسی در دنیای غرب است (Wolhuter, Olley & Denham, 2009:1). الهام‌بخش نخستین تجربیات را می‌توان از انگلستان دانست (Fry, 1959: 191). نیوزیلند نخستین طرح جامع پرداخت غرامت را وضع کرد که در سال ۱۹۶۴ لازم‌الاجرا شد. (Cameron 1963:367-68).

تقریباً هم‌زمان با آن، طرح‌های مشابهی در انگلستان (Shapland, 1984:131, 137-140) و کالیفرنیا (Shank 1970:85) پدیدار شد که ایالت نیویورک (Novack, 1971:717, 724) نیز از آن‌ها تبعیت نمود. امروزه، تمام ایالت‌های آمریکا یک طرح دارند (Sutherland, Cressey & Luckenbill, 1992: 299). در کانادا، پرداخت غرامت به قربانیان در سطح ایالتی رایج است (An Overview of Victim Services Across Canada, 2009). سوئد در سال ۱۹۷۸ قانون غرامت صدمات کیفری^۴ را پذیرفت. همچنین صندوق‌هایی در فرانسه، آلمان، ایتالیا و برخی از دیگر

^۱ برای اطلاع بیشتر در این خصوص بنگرید به: Conn, 2003, pp. 2-7.

^۲ Grand Duke Leopold of Tuscany

^۳ Principles of Penal Law

^۴ the Criminal Injuries Compensation Act

کشورهای اروپایی ایجاد شد. از مهم‌ترین اسناد در حوزه اتحادیه اروپایی می‌توان به دستورالعمل شورای اتحادیه اروپایی در سال ۲۰۰۴ اشاره کرد. این دستورالعمل مقرر می‌نماید که: «همه کشورهای عضو تضمین می‌نمایند که قواعد ملی‌شان وجود طرح پرداخت غرامت به قربانیان جنایت خشن بین‌المللی ارتكابی در قلمرو خود را پیش‌بینی نمایند» (Report from the Commission to the Council, 2009). برخی از صندوق‌های پرداخت غرامت در حال حاضر یک گستره فرا سرزمینی دارند و شهروندانی را تحت پوشش قرار می‌دهند که در خارج، به‌ویژه در نتیجه حملات تروریستی متحمل صدمه شده‌اند.

در ایران متأسفانه تاکنون قانون خاصی در این زمینه وضع نشده، البته تلاش‌هایی در این راستا صورت گرفته است. از جمله در سال ۱۳۸۸ هیئت دولت وقت دستورالعمل حمایت از بزه دیدگان اجتماعی را بر عهده وزارت دادگستری قرار داد و این وزارتخانه لایحه پیشنهادی خود را جهت بررسی به هیئت وزیران تقدیم کرد. بر اساس ماده ۱ این لایحه به منظور حمایت از بزه‌دیدگان و جبران خسارت آن‌ها در اجرای مقررات این قانون و سایر قوانین مرتبط، صندوقی به نام «صندوق حمایت از بزه‌دیدگان» در وزارت دادگستری تشکیل می‌شود. قرار بود در راستای اجرای سیاست‌های حمایتی دولت از بزه‌دیدگان، دستورالعملی تهیه و تدوین و به صورت آزمایشی تا پایان سال مالی ۱۳۸۸، به مورد اجرا گذارده شود. همچنین پس از پایان مدت اجرای آزمایشی و در صورت تمدید ردیف بودجه و وصول پیشنهاد های مراجع ذی ربط و صاحب‌نظران و بررسی موارد تجدیدنظر لازم در آن برای سال‌های بعدی نیز عمل خواهد شد.^۱ متأسفانه اطلاعات بیشتری در مورد تمدید آن وجود ندارد.^۲

سازمان ملل متحد نیز در حمایت از طرح‌های پرداخت غرامت به قربانیان موضع جدی دارد. اعلامیه اصول بنیادین عدالت برای قربانیان جرم و سوءاستفاده از قدرت مقرر می‌نماید که «هرگاه غرامت به‌طور کامل از طرف مرتکب یا دیگر منابع موجود نباشد، دولت‌ها باید تلاش نمایند تا غرامت مالی را تأمین نمایند» (Declaration of Basic Principles of Justice, 1985: para. 12) در همین راستا، سازمان ملل متحد برخی از صندوق‌های خود در مورد پرداخت غرامت به قربانیان را تأسیس نمود. نخستین مورد، صندوق امانی ملل متحد برای شیلی بود. این صندوق، یک صندوق داوطلبانه برای «دریافت وجوه و توزیع... کمک‌های بشردوستانه، حقوقی و مالی به اشخاصی بود که قربان نقض حقوق بشر از طریق بازداشت یا حبس در شیلی نقض بودند» (Declaration of Basic Principles of Justice, 1978: para. 1).

این صندوق به صندوق داوطلبانه ملل متحد برای قربانیان شکنجه تبدیل شد که امروزه نیز فعال است و وجوه را بین سازمان‌های غیردولتی یا سازمان‌هایی که به قربانیان شکنجه و اعضای خانواده‌هایشان مساعدت بشردوستانه ارائه می‌نمایند،

^۱ <<http://www.justice.ir/Portal/View/Page.aspx?PageId=23cbe37e-cccb-440e-97fa-fbcc33874e48>> (last visit 15 July 2017)

^۲ در دهم اردیبهشت ۱۳۹۶ قوه قضائیه لایحه ای را در مورد تشکیل صندوق حمایت از بزه دیدگان به مجلس شورای اسلامی ارسال کرد. برای جزئیات بیشتر بنگرید به:

<<http://www.hvm.ir/detailnews.aspx?id=49813>> (last visit 15 July 2017)

توزیع می‌نماید (United Nations Voluntary Fund for Victims of Torture, 1981: para. 1(a)). سازمان ملل متحد نیز یک صندوق امانی داوطلبانه در مورد اشکال معاصر بردگی در سال ۱۹۹۱ تأسیس کرد (United Nations Voluntary Trust Fund on Contemporary Forms of Slavery, 1991:) که از جمله «از طریق مجاری مسلم مساعدت، کمک مالی بشردوستانه، حقوقی و مالی به افرادی که حقوق بشر آن‌ها در نتیجه اشکال معاصر بردگی به شدت نقض شده، تعمیر داده شود» (S ssssss mmmn r ffr mmmn ssssss ffeeff eeehhhh hh mm' r ffr mmmn ssssss) (2005: para.1)

امروزه بیشتر، این گرایش وجود دارد تا به جای صندوق‌های پرداخت غرامت عام به قربانیان تروریسم به‌طور کلی، صندوق‌های خاص ایجاد شود.^۱ برای نمونه، قانون ضد تروریسم و مجازات مرگ مؤثر^۲ در ایالات متحده آمریکا پرداخت غرامت هم در قبال تروریسم بین‌المللی و هم داخلی را امکان‌پذیر می‌سازد. به علاوه، برخی از طرح‌ها پرداخت غرامت به تمام قربانیان جرائم شدید را اجازه می‌دهند. برای نمونه، در انگلستان می‌توان به طرح پرداخت غرامت در قبال زیان‌های کیفری^۳ اشاره کرد (The Criminal Injuries Compensation Scheme, 2012: para. 9).

اگرچه طرح‌های پرداخت غرامت به قربانیان گاهی به خاطر ناکافی بودن غرامت مورد انتقاد قرار گرفته (Chappell, 1972:294,303) اما تردیدی نیست که هر ساله زمینه را برای پرداخت غرامت به میلیون‌ها قربانی فراهم می‌سازند. (Hoelzel, 1980:485,486,488) این طرح‌ها تضمین می‌نمایند که منافع قربانیان و وجه مصالحه منصفانه بودن دادرسی قرار نگیرد.

در خصوص صندوق امانی قربانیان (TFV)، لازم است تا به تفاوت بین نظریه‌های جبران خسارت، پرداخت غرامت و مساعدت اشاره کرد. جبران خسارت‌ها اساساً در مقابل موجودیتی حقوقی است که مسئول صدمه وارده هست. هدف جبران خسارت‌ها این است که قربانی در وضعیت قبل از ارتکاب جرم مورد حکم قرار گیرد. میزان جبران خسارت مبتنی بر شدت صدمه وارده است و معمولاً بعد از یک تصمیم قضایی یک‌بار برای همیشه حکم به آن‌ها داده می‌شود. اگرچه جبران خسارت بخشی از احکامی است که بعد از محکومیت کیفری یا حتی تعیین مجازات تعیین می‌شود، اما منطبق بنیادین آن‌ها ملهم از حقوق مسئولیت است (Strang, 2002:17). پرداخت غرامت (Compensation) غالباً با در خصوص بخشی از مکمل یا جایگزین عمومی جبران خسارت‌ها استفاده می‌شود. در موارد ناتوانی محکوم‌علیه در پرداخت تمام مبلغ خواسته حکم، معمولاً صندوق‌های جایگزینی پیش‌بینی می‌شوند. به این ترتیب دولت یا جامعه حق بر جبران را تضمین می‌نماید. البته در مواردی بدون محکومیت کیفری غرامت پرداخت می‌شود. این امر نشانه حرکت از منطق جبرانی مضیق است (Culhane, 2003:1085).

^۱ در این خصوص به طور کلی بنگرید به: محمود جلالی و زینب سادات موسوی، جهانی شدن تروریسم و راهکارهای حمایت مؤثر از بزه دیدگان آن، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال هفتم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۵، شماره پیاپی ۱۳.

^۲ Anti-Terrorism and Effective Death Penalty Act

^۳ The UK Criminal Injuries Compensation Scheme

برخی از طرح‌های پرداخت غرامت به قربانیان پرداخت غرامت در معنای مضیق مثل مساعدت را ارائه نمی‌نمایند. معمولاً، مساعدت در جهت کمک به قربانیانی است که گرفتار پیامدهای جرم هستند. مساعدت بر مبنای نیازهای فعلی قربانیان، منصرف از ارزیابی صدمه عینی ناشی از جرم، به آن‌ها ارائه می‌شود. هدف طرح‌های ارائه مساعدت کاهش تجربه بزه دیدگی می‌باشند و نه جبران تبعات جرم. به نظر برخی از صاحب‌نظران: «حمایت معنوی، روحی و مالی می‌تواند از طریق خدمات بهداشتی و اجتماعی تأمین شود و با دلیل قوی می‌توان گفت که تأمین واقعی این خدمات برای قربانیان استفاده بهتری از نقدینگی عمومی است (Haldane & Harvey, 1995:273,278). معمولاً اقدامات مساعدتی شامل مساعدت پزشکی، مشاوره روان‌شناختی، پرداخت هزینه وکلا، بازتوانی و غیره می‌شود. این گرایش در عرصه بین‌المللی نیز مشهود است. برای نمونه صندوق ملل متحد برای شکنجه سازمان‌های غیردولتی را که مساعدت‌های روان‌شناختی، پزشکی، اجتماعی، حقوقی... اقتصادی، بشردوستانه یا دیگر اشکال مساعدت را به قربانیان شکنجه و خانواده‌هایشان ارائه می‌دهند، ترجیح می‌دهد.¹

به‌طورکلی، جبران خسارت معمولاً یک حق است، درحالی‌که مساعدت معمولاً یک امر اختیاری و مبتنی بر صلاحدید است. این تفاوت به‌ویژه در مورد دیوان نیز وجود دارد. دیوان می‌تواند حکم به جبران خسارت بدهد، صندوق امانی قربانیان می‌تواند برخی از منابع خود را برای تضمین پرداخت غرامت به‌عنوان جایگزین جبران خسارت‌های حکم داده‌شده بکار بگیرد و می‌تواند به مساعدت بپردازد.

۲-۳- تأملی بر رژیم پرداخت غرامت به قربانیان در اساسنامه رم

از حیث تاریخی دادگاه‌های اختصاصی کمتر به قربانیان جنایات بین‌المللی پرداختند. در بهترین حالت، قربانیانی که شاهد نیز بودند، مستحق حمایت و مساعدت قبل از ادای شهادت، در خلال ارائه شهادت و تا حدودی کمتر بعد از ادای شهادت بودند. در دهه ۹۰ با تأسیس واحدهای اختصاصی در دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق (دادگاه یوگسلاوی) و دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا (دادگاه رواندا) این بحث مورد توجه قرار گرفت. (Witnesses, 2009) با این حال، تا حدود زیادی عدالت کیفری بین‌المللی تا مدت‌های زیادی اساساً متهم محور تلقی می‌شد. این تمرکز یا به دلایل سزادهی بود که به اهمیت مجازات تأکید می‌کردند یا به دلایل لیبرال بود که بر آزادی‌ها و به‌ویژه فرض برائت و تضمینات مرتبط تأکید داشت (McGonigle, 2009:100-1) مساعدتی که قربانیان به‌عنوان شاهد دریافت می‌کردند به‌هیچ‌وجه مستقیماً با صدمه وارده مرتبط نبود. در مجموع می‌توان گفت رژیم جبران خسارت‌های دادگاه‌های اختصاصی بندرت مورد استفاده قرار گرفت.

محدودیت‌های الگویی که تنها به قربانیان به دلایل ابزاری علاقه‌مند بود در دهه ۹۰ پدیدار شد. شهود قربانی وقتی که مساعدت مالی یا روانی مورد نیازشان بعد از ادای شهادت قطع می‌شد، سردرگم بودند. به‌طورکلی تر، انجمن‌های قربانیان

¹ OHCHR: Call for 2011 Applications UN Voluntary Fund for Victims of Torture, UN Non-Governmental Liaison Service, <<http://www.ohchr.org/EN/Issues/Torture/UNVFT/Pages/WhattheFunddoes.aspx>> (last visit 05 July 2017).

در یوگسلاوی سابق و مشخصاً در روآندا، خواستار ادغام عنصر جبرانی در عدالت کیفری بین‌المللی بودند. تقریباً در همان زمان، این دادگاه‌های بین‌المللی با بحران مشروعیت مواجه شدند. در این بین، بحث تمرکز بر قربانیان بیشتر مورد توجه قرار گرفت. دادگاه روآندا، از جمله تلاش کرد تا با ارائه مساعدت محدود به سازمان‌های غیردولتی قربانی محور به این سمت حرکت کند (Peace Village for Rwandan Genocide Survivors in Construction, 2000). با این حال، این تلاش‌ها به نتیجه نرسید.

در کنفرانس رم در سال ۱۹۹۸ تغییر عمده‌ای در قبال قربانیان صورت گرفت (Fischer 2003:195-197). که در دو حوزه قابل بررسی است. نخست آن‌که، اساسنامه رم برای نخستین بار در تاریخ عدالت کیفری بین‌المللی اصل مشارکت قربانی را «در جایی که منافع شخصی قربانی زیان‌دیده» اعلام می‌کند.^۱ در هر مرحله‌ای که این منافع وجود دارد، قربانیان «مشارکت‌کننده» می‌باشند.^۲ دوم این‌که اساسنامه رم بیانگر پیدایش رژیم پرداخت غرامت به قربانی برای نخستین بار در تاریخ عدالت کیفری بین‌المللی است.

صندوق امانی قربانیان کاملاً جدید و منحصربه‌فرد است به این معنا که تمام عناصر متفاوت موجود در طرح‌های پرداخت غرامت به قربانیان را با هم تلفیق نماید. نخست، این رژیم یک عنصر جبرانی قوی دارد که متأثر از ماهیت قضایی بنیادین آن است. دیوان در صورتی حکم به جبران خسارت می‌دهد که متهم مجرم شناخته شود.^۳ جبران خسارت‌ها معمولاً تا حد زیادی از طریق جریمه‌ها، ضبط اموال و صدور احکام جبران خسارت علیه محکوم‌علیه توسط دیوان تأمین می‌شوند.^۴ جبران خسارت‌ها به دادگاه‌های داخلی برون‌سپاری نمی‌شوند بلکه تا حدود بسیار زیادی در اختیار خود دیوان است.^۵ در خصوص ماهیت اساسی جبران خسارت‌ها در دیوان تردید اندکی وجود دارد. حکم علیه متهم و به نفع قربانی با هدف جبران خسارت ناشی از صدمه وارده صادر می‌شود.

مقررات اساسنامه دیوان، گویای پذیرش آسیب‌های متفاوت ناشی از جرم و کوشش در جهت ترمیم این آسیب‌ها به شیوه مناسب است. (لسانی و دیرباز، ۱۳۹۲: ۱۷۴) صندوق امانی به‌عنوان مجری احکام دیوان عمل می‌کند.^۶ لازم است تا هنگام تعیین ماهیت و یا میزان جبران خسارت عوامل متعددی از قبیل ماهیت جرم و صدمات خاص وارده به قربانیان در نظر گرفته شود.^۷ هیئت‌مدیره صندوق باید یک طرح اجرایی را تحت نظارت شعبه ذی‌ربط طراحی نماید.^۸ در عمل دیوان

^۱ اساسنامه رم، بند ۳ ماده ۶۸.

^۲ همان، بند ۳ ماده ۱۵، بند ۳ ماده ۱۹، شق ج بند ۱ ماده ۵۳، شق ج بند ۲ ماده ۵۳، بند ۴ ماده ۶۵ و بند ۳ ماده ۶۸.

^۳ همان، بند ۲ ماده ۷۵ و آیین دادرسی دیوان بین‌المللی کیفری، مواد ۹۴ تا ۹۹.

^۴ مقررات صندوق امانی قربانیان، بند ۲۱.

^۵ اساسنامه رم، ماده ۷۵.

^۶ آیین دادرسی دیوان، ماده ۹۸.

^۷ مقررات صندوق امانی قربانیان، بند ۵۵.

^۸ همان، بند ۵۷.

نمی‌تواند ناظر جزئیات هر حکم جبران خسارت باشد و صندوق عمدتاً برای احکام جمعی طراحی شده است. به این ترتیب، صندوق بیشتر بر مبنای منطق مضیق جبران خسارت تحت نظارت قضایی دقیق عمل می‌کند.

همچنین صندوق امانی وجوه داوطلبانه‌ای را از دولت‌ها، سازمان‌های بین‌الدولی و غیردولتی دریافت می‌کند.^۱ از نظر شعبه مقدماتی دیوان وظیفه صندوق امانی ابتدائاً عبارت است از تضمین وجود وجوه کافی برای اجرای دستور دیوان به جبران خسارت بر طبق ماده ۷۵ اساسنامه. این تصمیم که به درستی مورد بازبینی قرار گرفت، (Dannenbaum, 2010:247) به نظر می‌رسد با برداشت صندوق از نقش خود در تناقض باشد^۲ و می‌تواند در رویه بعدی مورد اعتراض قرار بگیرد.

بنا بر آیین دادرسی، منابع صندوق را می‌توان برای بازتوانی فیزیکی یا روانی قربانیان و خانواده‌هایشان بکار گرفت.^۳ در حالی که نقش دیوان در رابطه با جبران خسارت کاملاً واضح است، نقش صندوق امانی پیچیده‌تر است. تردیدی نیست که دو مدلی که صندوق می‌تواند حمایت کند باهم در تناقض هستند؛ یک مدل مبتنی بر جبران خسارت است و دیگری مبتنی بر مساعدت؛ یکی نگاهش به گذشته است و مجرمیت محور است و دیگری نگاهش به جلو و نیاز محور است. نظر به آنچه گفته شد از حیث مبنای نظری در خصوص رژیم جبران خسارت در دیوان باید بیشتر بحث شود. همچنین لازم است تا در جهت کار آیی و کارآمدی بیشتر این دو مدل مطالعه و تحقیق بیشتری صورت گیرد.

۴- ضرورت تنظیم اصول جبران ضرر و زیان ناشی از جنایت

نظام جبران خسارت در دیوان بین‌المللی کیفری از بسیاری جهات منحصر به فرد است. نظام دیوان همچنین از رویه نهادهای حقوق بشری منطقه‌ای و بین‌المللی و سایر دیوان‌ها متفاوت است. نظام جبران خسارت در دیوان تا حد بسیار زیادی با نظام‌های دادگستری کشورهای رومی- ژرمن شباهت دارد. بدیهی است که دیوان یک دادگاه ملی نیست و بخشی از ساختار قضایی هیچ دولتی نیست. بنابراین، لازم است تا در خصوص موارد زیر آیین‌ها و رویه‌های صریحی تثبت شود.

۴-۱- مطلع نمودن قربانیان، وکلای مدافع، اشخاص ثالث و دولت‌ها از فرایند جبران خسارت

قربانیانی که برای جبران خسارت دادخواست‌هایی را در نخستین پرونده‌ها در نزد دیوان به ثبت رساندند تقریباً، جز مقررات خود اساسنامه، اطلاعات دیگری در مورد فرایند پیشرو یا نتایج احتمالی آن نداشتند. همچنین در خصوص جبران خسارت، هم از حیث شکلی و هم از حیث ماهوی، سؤال‌های بی‌جواب زیادی وجود دارد. بنابراین، چنین وضعیتی می‌تواند منجر به سردرگمی و عدم موفقیت شود. همچنین، متهمان در خصوص این‌که در صورت محکومیت، چه چیزی عایدشان می‌شود، سردرگم هستند. برای مثال، هنوز معلوم نیست که آیا فرایند جبران خسارت در صورت درخواست

^۱ همان، بند ۵.

^۲ مقررات صندوق امانی قربانیان، بند ۵۶.

^۳ مقررات صندوق امانی قربانیان، جزء ۱ شق الف بند ۵۰.

محکوم علیه برای تجدیدنظرخواهی ادامه پیدا می‌کند یا خیر. بنابراین ضروری است که وکلای مدافع از این فرایند و اصول ناظر بر آن مطلع باشند.

بعلاوه، اشخاص ثالثی که ممکن است از احکام جبران خسارت زیان ببینند، حق دارند تا تمام این فرایند را بدانند. همچنین ممکن است از آن‌ها خواسته شود تا در خلال فرایند جبران خسارت حضور یابند و بتوانند درخواست تجدیدنظر نمایند.^۱ دولت‌ها باید به‌طور صریح در جریان اشکال همکاری خود با دیوان برای اجرای احکام جبران خسارت باشند.

۲-۴- تضمین رویکرد جامع دیوان در خصوص جبران خسارت

جبران خسارت صرفاً مسئولیت قضات نیست. همه ارکان دیوان، در تضمین کامل و مؤثر فرایند جبران خسارت برای قربانیان، مسئولیت دارند. دادسرای دیوان مسئول انجام تحقیقات مالی و شناسایی دارایی‌های مظنون است. از این طریق تضمین می‌نماید که چه اقداماتی برای ردیابی، شناسایی و انسداد آن‌ها صورت گیرد. دفتر دیوان مسئول هماهنگی و تسهیل فرایند دادخواست قربانیان و اجرای احکام ذی‌ربط است. دیوان می‌تواند حکم دهد که احکام جبران خسارت از طریق صندوق امانی قربانیان وصول شوند. صندوق همچنین طرح‌های مساعدت به قربانیان را اجرا می‌نماید و از طریق ارکان خود، باید به‌طور جدی با قربانیان در خصوص مسائل جبران خسارت در تعامل باشد. به‌موجب بند ۱ ماده ۷۵ اساسنامه، «دیوان» باید اصولی را تثبیت نماید. بنابراین، تمام ارکان دیوان باید در فرایند شناسایی و تعیین اصول مقتضی نقش داشته باشند.

۳-۴- تضمین انسجام تصمیم‌گیری‌های دیوان

در دیوان قضاتی از تمام مناطق دنیا و نظام‌های حقوقی مختلف ملی حضور دارند که در مورد جبران خسارت رویکردهای مختلفی دارند. اگر فرایند صدور احکام جبران خسارت بدون یک چارچوب اصول کلی باشد، می‌تواند دچار تشتت و پراکندگی شود و باعث سردرگمی قربانیان، بی‌عدالتی علیه محکوم علیهم‌ها و تضعیف شهرت دیوان شود. این اصول باید راهنمایی صریحی برای همه قضات باشند تا بتوانند تصمیمات منسجمی را اتخاذ نمایند. در عین حال، این اصول باید انعطاف‌پذیری لازم را داشته باشند تا قضات بتوانند احکام ماهوی را صادر نمایند که ویژگی‌های خاص بزه دیدگی در یک پرونده خاص را منعکس نمایند. این اصول باید ایجاد یک چارچوب کلی را امکان‌پذیر سازند که حتماً از طریق رویه قضایی در پرونده‌های خاص بیشتر تبیین شوند. اگرچه شعب تجدیدنظر نقش مهمی در تضمین این انسجام در درازمدت ایفا می‌کنند، اما ضرورت چارچوب کلی اصول کلیدی نمی‌تواند نادیده گرفته شود.

۴-۴- ایجاد سیاست‌های راهبردی جبران خسارت دیوان در چارچوبی وسیع‌تر از حق بر جبران خسارت

فرایند جبران خسارت در دیوان امری انتزاعی نیست. این فرایند در کنار دیگر سازوکارهایی است که قربانیان به‌موجب حقوق بین‌الملل و داخلی به آن‌ها دسترسی دارند. در واقع، اساسنامه رم تنها به ارائه جبران خسارت در خصوص محکومین دیوان محدود می‌شود و نه علیه دولت‌ها. دیوان نمی‌تواند جبران خسارت کاملی برای قربانیان در همه پرونده‌ها ارائه نماید.

^۱ بند ۴ ماده ۸۲ اساسنامه.

فرایند جبران خسارت در دیوان به گونه‌ای باید باشد که دولت‌ها بتوانند تعهدات خود را به منظور تضمین دسترسی کامل و مؤثر قربانیان نسل زدایی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی به جبران خسارت سریعاً انجام دهند.

۵- اصول قابل اعمال توسط دیوان در خصوص جبران ضرر و زیان ناشی از جنایات بین‌المللی

به موجب ماده ۲۱ اساسنامه رم، مقررات اساسنامه و قواعد آیین دادرسی و همچنین اصول مربوط به جبران خسارت در حقوق بین‌الملل موجود را برای تنظیم اصول بران خسارت باید در نظر داشت. در ادامه به بررسی و نقد این اصول پرداخته می‌شود.

۵-۱- سیاست‌های تضمین‌کننده دسترسی برابر و مؤثر قربانیان به جبران خسارت

هدف نهایی فرایند جبران خسارت باید تحقق دسترسی برابر و مؤثر باشد. ضرورت دسترسی برابر در معیارهای بین‌المللی منعکس شده است. (Basic Principles and Guidelines, 2005: Principle 11) این امر مشخصاً برای دیوان اساسی و ضروری است چراکه در بسیاری از پرونده‌ها قربانیان از فرایند رسیدگی در دیوان بسیار فاصله دارند و از حقوق خود مطلع نمی‌باشند. درحالی‌که برخی از گروه‌های زیان‌دیده از طریق تلاش‌های فراگیر دیوان و جامعه مدنی در جریان قرار می‌گیرند، اما هنوز عده زیادی هستند که درباره حقوق خود به موجب اساسنامه و فرایند ادعای جبران خسارت نزد دیوان چیزی نشنیده‌اند. تضمین دسترسی برابر و مؤثر مستلزم تلاش فعالانه دیوان برای شناسایی چالش‌های بالقوه و مقابله با آن‌هاست. قربانیان همچنین ممکن است با موانعی برای دسترسی به فرایند جبران خسارت در دیوان مواجه باشند. از جمله می‌توان به موانع زبانی، اقتصادی و جنسیتی اشاره کرد که در هنگام توسعه رویه‌ها مورد توجه و بررسی قرار گیرند و با واقعیات موجود انطباق داده شوند. بر این اساس می‌توان اصول زیر را مطرح و مورد بحث قرارداد.

الف: حمایت از قربانیان خواهان جبران خسارت و رعایت اصل عدم تبعیض

سیاست‌ها و اقدامات مناسب باید در خصوص رفاه روانی قربانیان، کرامت آنان و حریم خصوصی‌شان از حیث جبران خسارت طبق ماده ۶۸ اساسنامه طراحی شود. این مقرر در تمام مراحل رسیدگی برای تمام ارکان دیوان الزامی است. حریم خصوصی قربانیان آسیب‌پذیر باید حمایت شود و هویت آن‌ها و داده‌های شخصی‌شان باید اطلاعات حمایت‌شده تلقی شود و تحت تدابیر امنیتی خاص برای طرف‌های رسیدگی افشا شوند. خطرات خاص مربوط به رفاه فیزیکی، روانی و فرهنگی و خانوادگی قربانیان خشونت‌های جنسیتی هنگام درخواست و دریافت جبران خسارت باید از قبل مشخص شود و راهبردهای مناسب برای این گونه موارد طراحی شود.

عدم تبعیض، از جمله، در اصل ۲۵ اصول بنیادین راجع به جبران خسارت پیش‌بینی شده است.^۱ دیوان در تثبیت سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌ها باید عدم تبعیض بر مبنای جنس، جنسیت، قومیت، نژاد، سن، وابستگی سیاسی، طبقه، وضعیت زناشویی،

^۱ Basic Principles and Guidelines, Principle 25; Declaration of Basic Principles of Justice, Principle 3; Nairobi Declaration, Principle 1.

ملیت، مذهب، موقعیت جغرافیایی و ناتوانی را تضمین نماید و تلاش نماید تا اقدامات مثبتی را به منظور جبران نابرابری‌ها معمول دارد.

ب: تضمین دسترسی کودکان، زنان و دختران به جبران خسارت

از حیث گستردگی خشونت جنسیت محور که بخشی از نسل زدایی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی است و همچنین از حیث موانع اقتصادی- اجتماعی و تبعیض آمیز که زنان و دختران در دسترسی به عدالت با آن مواجه هستند، دیوان باید اقدامات خاصی را به منظور تسهیل دادخواست‌ها و مشارکت در تمام مراحل رسیدگی برای جبران خسارت اتخاذ نماید.^۱ این امر شامل بیوه‌زنان، دختران، کودکان، مادر-کودک و دیگر وابستگان قربانیان می‌شود. بهترین رویه‌ها باید بکار گرفته شود تا زنان و کودکان در معرض قوانین یا عرف‌های تبعیض آمیز نباشند.

در هر مخاصمه‌ای، کودکان قربانی جنایاتی از قبیل نسل زدایی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی بوده‌اند. از این رو، دسترسی کودکان به جبران خسارت در اسناد بین‌المللی تضمین شده است.^۲ در واقع نخستین پرونده‌هایی که در نزد دیوان تحت تعقیب قرار گرفته به افرادی مربوط می‌شود که به ارتکاب جنایت جنگی ثبت‌نام و سربازگیری کودکان زیر ۱۵ سال و به‌کارگیری فعال آن‌ها در مخاصمات مسلحانه متهم شده‌اند. از حیث موانع حقوقی، تحصیلی و اجتماعی دسترسی کودکان به جبران خسارت، دیوان باید اقدامات خاصی را به منظور تسهیل دادخواست‌ها و مشارکت کودکان در تمام مراحل رسیدگی جبران خسارت اتخاذ نماید و در راستای منافع عالی آن‌ها و بر طبق توانایی‌های کودکان، از جمله تأمین حمایت روانشناسانه، گام بردارد.

دیوان باید فرایند جبران خسارت را به نحو مؤثر عمومی و علنی نماید؛^۳ از جمله از رهگذر اقداماتی که مدیر دفتر باید بر طبق ماده ۹۶ آیین دادرسی اتخاذ نماید.^۴ راهبردهای مربوط به برنامه‌های فراگیر باید نیازهای خاص کودکان را در نظر داشته باشند.^۵ در مواردی که ملاحظات امنیتی مانع از ورود پرسنل دیوان برای اجرای برنامه‌های فراگیر در محل سکونت قربانیان می‌شود، تدابیر خاصی برای شبیه‌های مناسب اطلاع‌رسانی به قربانیان باید اتخاذ شود. علنی کردن فرایند جبران خسارت این امکان را فراهم می‌سازد تا تصمیمات موجهی اتخاذ گردد.

ج: تأمین مساعدت مناسب برای قربانیان و اجرای رسیدگی‌ها در محل وقوع بزه

^۱ علاوه بر اساسنامه، در اسناد بین‌المللی دیگر نیز تضمین دسترسی زنان و دختران به جبران خسارت پیش‌بینی شده است. برای نمونه بنگرید به:

Nairobi Declaration, Principle 2.

از جمله بنگرید به مواد ۱۲ و ۳۹ کنوانسیون حقوق کودک.^۲

عمومی و علنی کردن فرایند جبران خسارت به نحو مؤثر در برخی از اسناد بین‌المللی برسمیت شناخته شده است. از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:^۳

Basic Principles and Guidelines, Principle 12 (a); Updated Set of Principles for the Protection and Promotion of human rights through action to combat impunity, Principle 33; Nairobi Declaration, Principle 2 (a).

ماده ۶۹ آیین دادرسی دیوان.^۴

برای نمونه بنگرید به:^۵

UN Guidelines on Justice, 2005, Chapter VII, The right to be Informed, Paras. 19 and 20.

در بسیاری از موارد، قربانیان نسل زدایی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی نیازمند کمک به تکمیل فرم‌های دادخواست و سپس مشارکت در کل فرایند جبران خسارت می‌باشند. دیوان باید تضمین نماید که قربانیان از مساعدت مناسب برخوردار هستند.^۱ از جمله این‌که از طریق واسطه‌ها با قربانیان ارتباط برقرار کند و به این ترتیب قربانیان بتوانند درخواست جبران خسارت بنمایند.^۲ کودکان، به دلیل سن پایین خود، اجازه تحصیل و وضعیت حقوقی‌شان بر اساس حقوق ملی، در درخواست جبران خسارت نیازمند حمایت خاصی می‌باشند. به‌ویژه، دادخواست‌های کودکان برای جبران خسارت مشروط به رضایت والدین است. بنابراین دیوان باید تضمین نماید که تمام قربانیانی که خواهان جبران خسارت هستند می‌توانند نماینده حقوق به انتخاب خود داشته باشند.^۳ دفتر دادگاه، ضمن پذیرش این‌که در اکثر پرونده‌ها، قربانیان استطاعت مالی کافی گرفتن نماینده حقوقی را ندارند، باید بر طبق بند ۵ ماده ۹۰ آیین دادرسی هزینه نماینده حقوقی آن‌ها را بپردازد. اگر دیوان نتواند یک یا چند نماینده حقوقی منصوب نماید، قربانیان باید فرصت‌های دیگری داشته باشند تا بتوانند دیدگاه‌های خود را ارائه نمایند. همچنین دیوان باید، به‌نحوی که در بند ۳ ماده ۳ اساسنامه مقرر شده، دست‌کم برخی از جلسات مربوط به جبران خسارت را در محلی انجام دهد که قربانیان می‌توانند به‌صورت ایمن حضور پیدا کنند و مشارکت نمایند.

د: تنظیم زمان معقول برای درخواست و مشارکت

مهلت‌های تنظیم‌شده نباید به‌طور غیرمعقول دسترسی قربانیان به استیفای حقوقشان را محدود کند. برای تضمین دسترسی کافی به جبران خسارت، در ابلاغیه‌ها زمان کافی برای مدعیان تضمین شود. مثلاً باید زمان کافی پیش‌بینی شود. مهلت‌ها باید شرایط خاص هر وضعیت را در نظر بگیرند از جمله عواملی مثل بعد مسافت قربانیان و مساعدت‌های خاص لازم برای هر قربانی. دیوان باید دیدگاه‌های قربانیان، نمایندگان آن‌ها، کارشناسان، جامعه مدنی، واحد اطلاعات عمومی و مستندسازی و صندوق امانی قربانیان را در هنگام تنظیم مهلت‌ها جویا شود و مورد توجه قرار دهد.

ه: اجرای فرایند جبران خسارت به ابتکار خود دیوان و آگاه کردن بزه دیدگان از رسیدگی

به‌موجب بند ۱ ماده ۷۵ اساسنامه، دیوان می‌تواند در خصوص جبران خسارت به ابتکار خود بنا بر اوضاع و احوال «استثنایی» توصیه‌هایی را بنماید. این امر می‌تواند شامل وضعیت‌های مخاصمه و بعد از مخاصمه بشود. در این وضعیت‌ها، قربانیان به‌ویژه قربانیان آسیب‌پذیرتر، شاید در موقعیتی نباشند که بتوانند به ابتکار خود درخواست جبران خسارت نمایند.

^۱ این اصل در اساسنامه ذکر نگردیده است؛ اما در اسناد دیگر پیش بینی شده است. برای نمونه بنگرید به:

Basic Principles and Guidelines, Principle 12 (c); Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power, Principle 6 (c).

^۲ بنگرید به:

Nairobi Declaration, Principle 3 (g).

این بند منطبق با بند ۳ ماده ۶۸ اساسنامه می‌باشد که بر اساس آن قربانی در انتخاب نماینده حقوقی آزاد است.^۳

قربانیان باید مرتباً از وضعیت رسیدگی‌ها، از جمله از طریق ابلاغیه‌ها توسط دفتر دیوان و از طریق نمایندگان قانونی شان، مطلع باشند.^۱ مدیر دفتر باید از طریق اقدامات لازم تضمین نماید که اطلاعات لازم از قربانیان به شکلی دریافت می‌شود که بتوانند آن را درک کنند.

۵-۲- سیاست‌ها و سازوکار ناظر بر استحقاق جبران خسارت

این‌که اصولاً چه کسی یا کسانی مستحق جبران خسارت می‌باشند، مسئله مهمی است. در این خصوص که چه کسانی مستحق دریافت جبران خسارت هستند، دیوان باید اصولی را مشخص کند. این اصول می‌تواند ناظر بر بزه دیده و دیگر ذینفعان بشود. بر اساس ماده ۸۵ آیین دادرسی دیوان، قربانی شامل خانواده یا وابستگان سببی مستقیم قربانی و اشخاصی می‌شود که در هنگام بحران در صدد کمک به قربانی یا پیشگیری از بزه دیدگی بودند.

در تعیین گستره ذینفعان در چارچوب حکم جبران خسارت علیه محکوم‌علیه، باید به قربانیانی که به‌طور صریح درخواست جبران خسارت نمودند و همچنین قربانیانی که متحمل صدمه‌ای شدند که نتیجه جنایات محکوم‌علیه است، توجه خاصی بشود، هر چند این افراد هنوز مشخص نشده‌اند.

۵-۳- اصول مربوط به تعیین گستره ضرر یا زیان وارده به قربانیان

بر اساس بند ۱ ماده ۷۵ تعیین اصول مربوط به گستره صدمه به‌طور صریح امری ضروری است. همچنین دیوان ملزم است تا اصولی را که طبق آن عمل می‌کند، بیان نماید. این اصول باید شامل موارد زیر بشود:

الف: گستره تصمیمات، انتصاب کارشناس و مشورت با بزه دیده

قضات باید احکام خود در مورد جبران خسارت را مبتنی بر یک تحلیل جامع از صدمه وارده به قربانیان بنمایند. از جمله جنبه‌های فردی و جمعی صدمه وارده به قربانیان مستحق و تأثیر خاص و متفاوت بر قربانیان موردتوجه قرار گیرد. این تحلیل بدون تردید ابزار مفیدی برای قربانیانی خواهد بود که مشمول حکم دیوان به جبران خسارت نمی‌باشند. دیوان می‌تواند بر طبق ماده ۹۷ آیین دادرسی کارشناسانی را منصوب نماید. این کارشناسان باید در خصوص خشونت جنسی و خشونت علیه زنان و کودکان تخصص داشته باشند. بر طبق بند ۳ ماده ۷۵، دیوان باید دیدگاه‌های قربانیان را در مورد گستره صدمه‌ای که متحمل شده‌اند جویا شود و در بررسی‌های خود موردتوجه قرار دهد.

ب: شناسایی تمام اشکال خسارت و عوامل مرتبط با جنایات

دیوان باید تمام اشکال صدمه ناشی از ارتکاب جنایات توسط محکوم‌علیه را در تعیین خسارت، زیان یا آسیب به قربانی در نظر بگیرد. از جمله دیوان باید آسیب فیزیکی و مرگ، بیماری، صدمه روانی از جمله استرس، خسارت یا زیان وارده به اموال یا ملک، از دست دادن فرصت تحصیلی، از دست دادن درآمد، خسارت به برنامه زندگی قربانیان، (Intern American Court of Human Rights, 1998: paras. 147-150.) سلب آزادی، سلب حقوق، از دست دادن زندگی خانوادگی، صدمه اجتماعی و صدمه فرهنگی را موردتوجه قرار دهد. دیوان باید حقوق نقض شده در نتیجه ارتکاب

^۱ این اصل در اعلامیه اصول بنیادین عدالت برای بزه دیدگان جرم و سوء استفاده از قدرت نیز پیش بینی شده است.

جنایات، شدت نقض، هرگونه الگوی نقض و ویژگی‌های افراد یا گروه‌های مورد هدف را هنگام رسیدگی مورد توجه قرار دهد.

ج: واکنش به جنایات و خدمات ارائه‌شده به قربانیان

دیوان صدمه بیشتری را که قربانیان در نتیجه ارتکاب جرم متحمل شده‌اند، از جمله برچسب‌زنی (به‌ویژه آنچه بازماندگان خشونت‌های جنسی (Rashida Manjoo, 2010:para. 45) و کودکان سرباز یا وابستگان آن‌ها متحمل شده‌اند) و همچنین آثار جنایات مستمر را در نظر بگیرد. دیوان همچنین باید تأثیر هرگونه خدمات ارائه‌شده یا نشده به قربانیان را از زمان ارتکاب جنایت در ارزیابی صدمات و ضرورت بازتوانی در نظر بگیرد. از جمله دیوان باید مراقبت‌های بهداشتی، حمایت روانی-اجتماعی، مساعدت مالی و امثال آن را در نظر داشته باشد.

۵-۴- اصول ناظر بر توسعه احکام جبران خسارت علیه محکوم‌علیه

احکام دیوان در مورد جبران خسارت باید در مورد هر پرونده خاص باشند. بدین منظور و به‌منظور تضمین انسجام، دیوان باید اصولی را تثبیت نماید که ناظر بر فرایند رسیدگی به جبران خسارت باشند. این اصول شامل موارد زیر می‌شوند:

الف: هدف احکام جبران خسارت و متناسب بودن با صدمه

احکام دیوان در مورد جبران خسارت باید تا حد امکان تمام آثار جنایات ارتكابی را از بین ببرند. (Chorzow Factory Judgment, 1928:para.28) درحالی‌که وضعیت از قبل موجود عاملی در تقویت جنایت بوده، جبران خسارت باید به‌گونه‌ای باشد که تا حد امکان از ارتكاب مجدد جلوگیری نماید. (Basic Principles and Guidelines, 2005:principle 15) جبران خسارت باید متناسب با شدت موارد نقض و صدمات وارده باشد.^۱ همچنین «از آنجایی که خشونت ارتكابی علیه زنان به‌طورکلی در قالب حاشیه‌انگاری نظام یافته است، لذا اقدامات مربوط به جبران خسارت باید جبران خسارت فردی و تحول‌ساختاری را پیوند دهد.» (Rashida Manjoo, 2010:paras.24 and 31)

ب: ضرورت مشورت با بزه دیدگان

سیاست‌های دیوان به‌منظور حمایت از کرامت قربانیان، بازتوانی و ادغام آن‌ها در جامعه، باید مشوق مشارکت قربانیان، از جمله زنان و کودکان در فرایند تصمیم‌گیری در خصوص جبران خسارت باشد. «بدون مشارکت زنان و دختران حوزه‌های مختلف، راه‌حل‌ها و ابتکارات به‌احتمال‌زیاد تجربه خشونت مردان و نگرانی‌های آن‌ها، اولویت‌ها و نیازهای آن‌ها از حیث جبران خسارت را منعکس می‌نماید. به‌علاوه، بدون چنین مشارکتی، فرصت به دست آوردن حس نمایندگی که به‌خودی‌خود می‌تواند شکل مهمی از جبران خسارت باشد، به‌ویژه زمانی که قربانیان خودشان را به‌مثابه کنشگران تغییرات اجتماعی تصور می‌کنند، از دست می‌رود.» (Rashida Manjoo, 2010:paras. 29)

^۱ برای نمونه بنگرید به:

افزون بر آن، در مورد کودکان نیز باید رهنمودهای کنوانسیون حقوق کودک را در نظر داشت. به موجب بند ۲ ماده ۱۲ این کنوانسیون، کشورهای طرف تضمین می‌نمایند تا برای کودک فرصت‌هایی فراهم شود تا بتواند در هر یک از مراحل دادرسی اجرائی و قضایی مربوط به خود به طور مستقیم یا از طریق یک نماینده یا شخصی مناسب به طریقی که مطابق با مقررات اجرائی قوانین ملی باشد، ابراز عقیده نماید.

به منظور تعیین این که چه نوع جبران خسارتی با وضعیت قربانیان متناسب‌تر است، توجه شایانی باید به قربانیان بشود. به ویژه، قربانیان می‌توانند واقعیت‌هایی را که با آن روبه‌رو هستند به دیوان ارائه نمایند از جمله نحوه اجرای احکام بر مبنای سنت‌های فرهنگی و عرف‌های محلی.

ج: اشکال جبران خسارت

جبران خسارت نباید به یک شیوه خاص محدود شود. جبران خسارت می‌تواند به شیوه‌های متعددی باشد. (Basic Principles and Guidelines, 2005: Principles 18 to 23) اگرچه بند ۱ ماده ۷۵ اساسنامه به اعاده به وضع سابق، پرداخت غرامت و بازتوانی اشاره می‌کند، اما این نوع اقدامات جبران خسارت باید بر طبق بند ۳ ماده ۲۱ اساسنامه تفسیر شوند؛ بدین صورت که شامل اشکال اساسی جبران خسارت از قبیل رضایتمندی و تضمین عدم تکرار بشوند. این گونه جبران خسارت‌ها نه تنها برای قربانیان معنادار می‌باشند، بلکه برای اشخاص محکوم‌علیه نیز می‌تواند معنای بازتوانی داشته باشند.

در تعیین چارچوب زمانی اجرای مزیت‌های جبران خسارت، توجه شایانی باید هم به نیازهای کوتاه‌مدت قربانیان و هم نیازهای بلند مدت آن‌ها بشود. همچنین، به منظور تضمین پایداری، مزایای جبران خسارت می‌تواند به دنبال کاهش وابستگی قربانیان و توانمندسازی آنان باشند.

د: مقررات مربوط به استطاعت محکوم‌علیه برای جبران خسارت

حکم به جبران خسارت باید صدمه خاص وارده را مورد توجه قرار دهد و نباید با وضعیت توانایی مالی محکوم‌علیه پیوند داده شود. در صورتی که محکوم‌علیه به واسطه نبود یا ناکافی بودن منابع یا دیگر شرایط مقرر در ماده ۹۸ آیین دادرسی، توانایی مالی برای اجرای حکم جبران خسارت را نداشته باشد، صندوق امانی قربانیان می‌تواند خواستار بخشی از درآمدهای داوطلبانه خود برای اجرا حکم باشد. به علاوه، همان گونه که در بند ۴ ماده ۹۸ آیین دادرسی مقرر شده، دیوان می‌تواند حکم دهد که جبران خسارت از طریق صندوق امانی قربانیان به یک سازمان بین‌الدولی، بین‌المللی یا ملی مورد تأیید خود صندوق واگذار شود. صندوق می‌تواند تلاش‌های سرمایه‌گذاری معینی را در رابطه با اجرای حکم به عمل آورد.

برخی از اشکال جبران خسارت ممکن است بدون مساعدت دولت به طور مستقیم قابل اعمال نباشند. برای نمونه، حکم به این که محکوم‌علیه یادبودی برای قربانیان ایجاد نماید ممکن است مستلزم برنامه‌ریزی و دیگر مجوزهای مراجع ملی باشد. در صورت اقتضاء، دیوان می‌تواند همکاری مقامات ملی را بر طبق بند ۱ ماده ۹۳ اساسنامه درخواست نماید.

ه: احکام فردی و یا جمعی جبران خسارت

درخواست‌های قربانیان که در دادخواست‌ها، مشاوره‌ها یا جلسات رسیدگی مشخص شده، باید در تعیین ماهیت و اشکال جبران خسارت مورد توجه شایان قرار گیرد. به‌ویژه در رابطه با جبران خسارت‌های جمعی، باید تدبیری اندیشیده شود تا قربانیان، انجمن‌ها و دیگر موجودیت‌های جمعی بتوانند اظهارات مشترک خود را ارائه نمایند. تصمیم‌گیری در مورد احکام جبران خسارت انفرادی باید بر اساس اوضاع و احوال و ماهیت خاص بزه دیدگی در پرونده مطروحه نزد دیوان باشد. در مواردی که بر یک مبنای جمعی حکم جبران خسارت داده می‌شود، اشکال جبران خسارت باید صدمه خاص وارده به قربانیان از قبیل خدمات پزشکی خاص، روان‌درمانی، آموزش و تربیت یا افزایش آگاهی در مورد بزه دیدگی را مورد توجه قرار دهند تا به‌این ترتیب زمینه را برای اجتماعی شدن قربانیان فراهم سازند.

و: منافع عالیه کودک

در خصوص جبران خسارات وارده به کودک، منافع عالیه کودک باید تعیین‌کننده باشد. به‌موجب ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک: ۱- در تمام اقدامات مربوط به کودکان که توسط مؤسسات رفاه اجتماعی عمومی و یا خصوصی، دادگاه‌ها، مقامات اجرائی، یا ارگان‌های حقوقی انجام می‌شود، منافع عالیه کودک باید مورد توجه قرار گیرد؛ ۲- کشورهای طرف کنوانسیون متقبل می‌شوند که حمایت‌ها و مراقبت‌های لازم را برای رفاه کودکان، با توجه به حقوق و وظایف والدین آن‌ها، قیم و یا سایر افرادی که قانوناً مسئول آنان هستند، تضمین کنند و در این راستا اقدامات اجرائی و قانونی مناسب معمول خواهد گردید؛ ۳- کشورهای طرف کنوانسیون تضمین خواهند نمود که مؤسسات، خدمات و وسایلی که مسئول مراقبت و حمایت کودکان هستند مطابق با معیارهایی باشند که توسط مقامات صلاحیت‌دار به‌ویژه در زمینه‌های ایمنی، بهداشت، تعداد کارکنان آن مؤسسات و نحوه نظارت و بازرسی، تعیین شده است.

۵-۵- اصول مربوط به صدور احکام جبران خسارت

قربانیان منتظر نتیجه فرایند رسیدگی دیوان در مورد جبران خسارت و جزئیات احکام جبران خسارت می‌مانند. ضروری است که این احکام به نحو مؤثر ابلاغ شوند. بنابراین، اصولی باید توسعه یابد که از جمله شامل موارد زیر بشود:

الف: ابلاغ مؤثر احکام و مکاتبه دیوان با صندوق امانی بزه دیدگان

احکام باید به زبان و به شکلی که برای قربانیان قابل فهم باشد، صادر شوند. باید تضمین شود تا همه کسانی که متقاضی جبران خسارت بودند، دیگرانی که شاید به‌موجب این احکام مستحق جبران خسارت باشند و کل جمعیت زیان‌دیده بتوانند تصمیمات دیوان را بفهمند.

هنگامی که دیوان دستور می‌دهد که جبران خسارت از طریق صندوق صورت گیرد، باید بین دیوان و صندوق مکاتباتی صورت بگیرد. به‌موجب مقرر ۵۶ صندوق امانی قربانیان هیئت‌مدیره صندوق باید تصمیم بگیرند که آیا منابع گردآوری شده از طریق احکام جبران خسارت را با دیگر منابع صندوق امانی تکمیل نمایند و بر این اساس به دیوان مشاوره بدهند. به‌ویژه، صندوق و دیوان باید برای تضمین وحدت تصمیم در مورد احکام جبران خسارت با یکدیگر مکاتبه نمایند.

ب: شناسایی حقوق تمام قربانیان برای دسترسی به جبران خسارت کامل و مؤثر

دیوان، هنگام حکم دادن به جبران خسارت برای بخشی از قربانیان در یک وضعیت خاص، باید در هر تصمیم خود بپذیرد که همه قربانیان نسل زدایی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی از حق بر جبران خسارت کامل و مؤثر، از جمله حق بر دسترسی به راهکار جبران مؤثر نزد دادگاه‌های ملی، برخوردارند.

بند ۶ ماده ۷۵ یک مبنای حقوقی خاصی را برای این بخش فوق‌العاده مهم رویه آتی دیوان در مورد جبران خسارت فراهم می‌سازد. در واقع، تمام قربانیان جنایات تحت صلاحیت دیوان باید مورد توجه قرار گیرند و نه تنها قربانیان اقدامات کیفری خاصی که در خصوص آن‌ها دادستان و دیگر شعب ذی‌ربط تصمیم به اجرای صلاحیت خود گرفته‌اند. عملکرد دیوان به حقوق تمام قربانیان به‌موجب حقوق بین‌الملل و حقوق ملی موجود، از جمله قربانیانی که نزد دیوان درخواست جبران خسارت می‌نمایند اما درخواست آن‌ها مستلزم اتخاذ اقدامات بیشتری توسط مقامات ملی صلاحیت‌دار برای تضمین اجرای جبران خسارت کافی است، لطمه‌ای نمی‌زند.

۵-۶- اصول مربوط به اجرا

اصول ناظر بر اجرای احکام جبران خسارت در هر پرونده باید به‌طور صریح تصریح نمایند که دولت‌ها در اجرای قهری احکام جبران خسارت چه تعهداتی را بر عهده‌دارند. بدیهی است در خصوص دولت‌های طرف اساسنامه، مبنای حقوقی تعهدات آن‌ها تا حدودی مشخص است؛ اما در مورد کشورهایی که طرف اساسنامه نمی‌باشند ولی شورای امنیت وضعیت آن‌ها را به دیوان ارجاع داده است، وضعیت کمی مبهم است. بنابراین، در این خصوص دیوان هم باید در پرونده مربوطه این نکته را مدنظر داشته باشد. در هر صورت اصول مربوط به اجرای قهری احکام جبران خسارت می‌تواند به شرح زیر باشد:

الف: تعهد دولت‌ها به همکاری در شناسایی، ردیابی و انسدادهای دارایی‌ها، اموال و ابزار ارتکاب جنایت

دولت‌های طرف اساسنامه از نظر حقوقی متعهد به همکاری در شناسایی، ردیابی و انسدادهای دارایی‌ها، اموال و ابزار ارتکاب جنایت می‌باشند. شق ک بند ۱ ماده ۹۳ اساسنامه به‌طور صریح دولت‌های طرف را ملزم به همکاری در رابطه با ضبط و توقیف می‌نماید و بند ۴ ماده ۷۵ اساسنامه مقرر می‌نماید که دیوان می‌تواند اقدامات بیشتری را به‌منظور اجرای احکام جبران خسارت به‌موجب بند ۱ ماده ۹۳ بعد از محکومیت متهم دنبال نماید. دولت‌ها باید تضمین نمایند که مقررات قوانین داخلی‌شان، اعم از دو فاکتور یا دو دوره، مانع از همکاری مؤثر نخواهد شد.

ب: تعهد حقوقی دولت‌ها به همکاری در اجرای احکام جبران خسارت

دولت‌های طرف اساسنامه از نظر حقوقی متعهد به همکاری با دیوان در اجرای احکام دیوان در خصوص جبران خسارت می‌باشند. به‌موجب ماده ۱۰۹ اساسنامه، که بر طبق بند ۵ ماده ۷۵ اساسنامه تفسیر می‌شود، دولت‌ها ملزم به اجرای احکام مربوط به جبران خسارت می‌باشند.

دیوان باید در رابطه با ادعاهایی که اشخاص ثالث با حسن نیت مطرح می‌کنند، تصمیم نهایی صادر نماید. به‌موجب بند ۴ ماده ۸۲ اساسنامه، اشخاص ثالث حق دارند تا از حکم صادره در مورد اموال طبق ماده ۷۵ اساسنامه درخواست

تجدید نظرخواهی نمایند. دولت‌هایی که با اشخاص ثالثی مواجه می‌شوند که مدعی هستند اشخاص ثالث با حسن نیت می‌باشند نباید در مورد اعتبار چنین ادعاهایی تصمیم بگیرند. چنین امری موضوع تصمیم دیوان است. در صورتی که دیوان درخواست نماید، دولت مزبور باید چنین دارایی‌ها را تا زمان صدور تصمیم دیوان شناسایی، ردیابی، مسدود یا توقیف نماید.

به‌طور کلی، موانع مربوط به جبران خسارت در حقوق داخلی نباید مانع اجرای کامل احکام دیوان در خصوص جبران خسارت بشود. اگرچه بند ۱ ماده ۱۰۹ اساسنامه مقرر می‌دارد که احکام جبران خسارت باید بر طبق شیوه مقرر در حقوق داخلی کشور طرف اساسنامه اجرا شود، اما تحمیل موانع، از جمله مصونیت‌ها، عفو، مرور زمان یا هرگونه مانع دفاکتو یا دو دوره را اجازه نمی‌دهد.

در نهایت، شعبه بدوی باید در خصوص اجرای قهری احکام مالی یا نقدی جلسه داشته باشد. شعبه باید بر اجرای احکام فردی یا جمعی صادره علیه محکوم‌علیه یا احکام خطاب به صندوق امانی قربانیان نظارت داشته باشد.

نتیجه‌گیری

حمایت از قربانیان لزوماً به معنای مجازات مجرمین نیست. دیوان، به‌مثابه رکن قضایی کیفری دائمی، برای مقابله با بی‌کیفرمانی تشکیل شده است. در عین حال، در دیباچه و متن اساسنامه بزه دیده (یا قربانی) مورد توجه قرار گرفته شده است. حمایت از قربانیان را باید یکی از اهداف اصلی دیوان دانست.

حمایت از قربانی نه تنها در حقوق داخلی، بلکه در حقوق بین‌المللی (به‌طور عام) و در حقوق بین‌المللی کیفری (به‌طور خاص) مورد توجه قرار گرفته شده است. این حمایت را می‌توان در ذیل حق بر جبران خسارت تعبیر کرد. در اسناد حقوق بشری همواره این حق مورد توجه بوده است. به همین خاطر، سازمان ملل متحد در مناسبت‌های مختلف اسناد متعددی را مورد پذیرش قرار داده است.

در اسناد بین‌المللی کیفری، حمایت از بزه دیدگان با پذیرش اساسنامه دیوان در سال ۱۹۹۸ وارد مرحله نوینی شده است. پیش از پذیرش این سند، در اسناد مؤسس دادگاه‌های بین‌المللی کیفری کمتر به بحث جبران خسارت از بزه دیدگان پرداخته شده است. بنابراین، اساسنامه دیوان را می‌توان نقطه عطفی در حوزه جبران خسارت از بزه دیدگان دانست.

در اساسنامه کلیات راجع به جبران خسارت مطرح شده است. جزئیات مربوط به جبران خسارت و تنظیم سیاست‌های راهبردی بر آن به دیوان واگذار شده است. بر این اساس دیوان در رویه خود متناسب با هر پرونده اصول و جزئیات ناظر بر جبران خسارت را مشخص خواهد کرد. پرونده توماس لوبانگا نخستین پرونده‌ای است که دیوان در آن تلاش کرده است تا این اصول را مشخص نماید. در پرونده کاتانگا نیز این مسئله مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، دیوان در هنگام تعیین این اصول و رویه‌ها لازم است که معیارهای حقوق بشری خارج از اساسنامه را در خصوص جبران

خسارت مدنظر داشته باشد. به عبارت دیگر، قضات دیوان در تعیین این اصول و رویه‌ها تابع «بایدها» و «نبایدهایی» می‌باشند که موازین کلی حقوق بشری در خصوص جبران خسارت را تشکیل می‌دهند.

در این راستا پیشنهاد می‌شود تا چارچوب کلی بایدها و نبایدهای جبران خسارت منطبق بر اصول کلی حقوقی و موازین حقوق بشری با دقت تنظیم شود تا قضات هنگام رسیدگی به هر پرونده در مرحله صدور حکم در خصوص جبران خسارت این اصول را مدنظر داشته باشند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۳۷۵)، *لسان العرب*، جلد ۷، بیروت، دارالفکر للطباعة النشر و التوزیع.
- امامی، سید حسن، (۱۳۵۱)، *دوره مقدماتی حقوق مدنی*، جلد ۲، مؤسسه عالی حسابداری.
- انصاری، مسعود و طاهری نیا، محمد علی، (۱۳۸۶)، *دانشنامه حقوق خصوصی*، جلد ۲، چاپ دوم، انتشارات محراب فکر.
- حمید درخشان نیا، (۱۳۷۶)، *ضرر و زیان ناشی از جرم*، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- خمینی، روح الله، (۱۳۸۵ ه. ق)، *الرسائل*، جلد ۱، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- صانعی، پرویز، (۱۳۷۲)، *حقوق جزای عمومی*، جلد اول، انتشارات گنج دانش.
- علی آبادی، عبدالحسین، (۱۳۶۷)، *حقوق جنایی*، جلد اول، موسسه انتشارات فردوسی، چ اول.
- فقیه نخجیری، حسن، (۱۳۵۱)، *دعوی خصوصی در دادگاه جزا*، چاپ داور پناه.
- معین، محمد، (۱۳۶۴)، *فرهنگ فارسی*، جلد اول، چاپ هفتم، تهران، مؤسسه امیرکبیر.
- آشوری، محمد، (۱۳۵۹)، «*عدالت کیفری از دیدگاه حمورابی*»، نشریه موسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، شماره ۷.
- جلالی، محمود و زینب سادات موسوی، (۱۳۹۵)، «*جهانی شدن تروریسم و راهکارهای حمایت موثر از بزه دیدگان آن*»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال هفتم، شماره اول، بهار و تابستان، شماره پیاپی ۱۳.
- لسانی، حسام الدین و مرضیه دیرباز، «*حمایت های مادی دیوان بین المللی کیفری از بزه دیدگان*»، آموزه های حقوق کیفری، پاییز - زمستان ۱۳۹۰، دوره جدید، شماره ۲.
- اساسنامه دیوان بین المللی کیفری، ۱۹۹۸
- آیین دادرسی دیوان بین المللی کیفری
- مقررات صندوق امانی قربانیان

Jeremy, B., (1843). *Principles of Penal Law*, in *The Works of Jeremy Bentham*, (Russell & Russell Inc. 1962) available at < <http://oll.libertyfund.org/titles/bentham-the-works-of-jeremy-bentham-vol-1> >

Enrico, F., (1917), *Criminal Sociology*, Kessinger Publishing.

Bryan A., G., (2009), (editor in Chief), *Black's Law Dictionary*, ninth edition.

Heather, S., (2002), *Repair or Revenge: Victims and Restorative Justice*, Clarendon Press.

Articles

- Chappell, D., (1972), "Providing for the Victim of Crime: Political Placebos or Progressive Programs?", 4 *Adelaide Law Review*.
- Culhane, J., G., (2003), "Tort, Compensation, and Two Kinds of Justice", 55 *Rutgers Law Review*.
- Dannenbaum, T., (2010), "the International Criminal Court, Article 79, and Transitional Justice: The Case for an Independent Trust Fund for Victims", 28 *Wisconsin International Law Journal*.
- Fischer, P., G., (2003), "the ccc ii'' rr ttt Fddd of eee ltt eaaiaaaal Ciiii aal Ctttt —Formation of a Functional Reparations Scheme", 17 *EMORY International Law Review*.
- Fry, M., (1959), "Justice for Victims", 8 *Journal of Public Law*.
- Haldane, J., & Harvey, A., (1995), "the Philosophy of State Compensation", 12 *Journal of Applied Philosophy*.
- Hoelzel, W., E., (1980), "A Survey of 27 Victim Compensation Programs", 63 *Judicature*.
- '' Ceeee ll, M., (2003), "Criminal Injuries Compensation: Revisiting the Rationale for State Funded Compensation for Crime Victims", Available <http://ibrarian.net/navon/paper/CRIMINAL_INJURIES_COMPENSATION_Revisiting_the_Rat.pdf?paperid=16631375> (last visit 05 July 2017)
- Shank, W., (1970), "Aid to Victims of Violent Crimes in California", 43 *Sothern California Law Review*.

Reports and Documents

- An Overview of Victim Services across Canada, Federal Ombudsman for Victims of crime, <<http://www.victimfirst.gc.ca/index.html> > (last modified Feb. 26, 2009 and last visit 03/07/2018).
- Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation for Victims of Gross Violations of International Human Rights Law and Serious Violations of International Humanitarian Law, Adopted and proclaimed by General Assembly resolution 60/147 of 16 December 2005.
- Criminal Injuries Compensation Authority, the Criminal Injuries Compensation Scheme (2012), para. 9 (2012), available at <https://www.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment_data/file/243480/9780108512117.pdf>
- Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power, G.A. Res. 40/34, Annex, para 12, U.N. Doc.A/Res/40/34/ (Nov. 29, 1985).
- ICC, Decision on the Notification of the Board of Directors of the Trust Fund for Victims in Accordance with Regulation 50 of the Regulations of the Trust Fund, at 2, ICC-01/04-492 (April 11, 2008).
- Manjoo, Rashida, Report of the Special Rapporteur on violence against women, its causes and consequences: A/HRC/14/22, 19 April 2010.
- Nairobi Declaration on Women's and Girls' Right to a Remedy and Reparation, 2007. Updated Set of Principles for the Protection and Promotion of human rights through action to combat impunity, 8 February 2005, E/CN.4/2005/102/Add.1
- OHCHR: Call for 2011 Applications UN Voluntary Fund for Victims of Torture, UN Non-Governmental Liaison Service, <<http://www.ohchr.org/EN/Issues/Torture/UNVFT/Pages/WhattheFunddoes.aspx>>.
- Peace Village for Rwandan Genocide Survivors in Construction, AFROL NEWS (Sept. 27, 2000), <http://www.afrol.com/html/News/rwa008_victim_initiative.htm>. (last visit 02 July 2018)

Report from the Commission to the Council, the European Parliament and the European Economic and Social Committee, at 4, COM (2009) 170 final (April 20, 2009). <<http://www.justice.ir/Portal/View/Page.aspx?PageId=23cbe37e-cccb-440e-97fa-fbcc33874e48>> (last visit 15 July 2018)

United Nations Voluntary Fund for Victims of Torture, G.A. Res 36/151, 1(a), U.N. Doc A/RES/36/151 (Dec. 16, 1981).

United Nations Voluntary Trust Fund on Contemporary Forms of Slavery, G.A. Res. 46/122, U.N. Doc. A/RES/46/122 (Dec. 17, 1991).

Trust Fund on Contemporary Forms of Slavery Guidelines for the Use of Organizations, 2005, Available at <<http://www.ohchr.org/Documents/Issues/Slavery/GuidelinesFund.pdf>> (last visited 03 July 2018).

UN Guidelines on Justice in Matters Involving Child Victims and Witnesses, ECOSOC Resolution 2005/20.

Witnesses, International Criminal Tribunal For the Former Yugoslavia, <<http://www.icty.org/sid/158>> (last visit 02 July 2018); see also Updated Statute of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia, art. 22 (Sept. 2009), available at <http://www.icty.org/x/file/Legal%20Library/Statute/statute_sept09_en.pdf>. (last visit 02 July 2018)

